

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

نویسنده: شارمینه ناروانی*
برگردان: مینا صابری
۲۰ دسمبر ۲۰۲۲



شارمینه ناروانی

دیگر اولویت اصلی ایران رعایت حجاب نیست.

در سفر دو هفته‌ای به ایران در ماه نومبر، شاهد بودم که زنان در هر سنی آزادانه و بدون حجاب در خیابان‌ها راه می‌رفتند.

اما چیزی که به ما گفته نشده این است که آنها مدت هاست که این کار را انجام داده اند.



انفجار اعتراضات در ایران که از شهریور ماه- سنبله- آغاز شد، به طور خاص درباره «قانون حجاب» جمهوری اسلامی نبود، بلکه در مورد سوء استفاده‌ها و زیاده‌روی‌های پولیس اخلاقی موسوم به گشت ارشاد علیه زنان معمولی ایرانی که به طرز «غیر اسلامی» لباس پوشیده‌اند صورت گرفت.

نارضایتی عمومی گسترده با مرگ مهسا امینی آغاز شد، فردی که توسط ارشاد دستگیر شد و در حین بازداشت درگذشت.

اگرچه فلم‌های ویدئویی بعدی منتشر شده توسط مقامات پولیس ایران نشان می‌دهد که امینی به دلیل سابقه بیماری شخصی‌اش، همانطور که کالبد شکافی رسمی نیز نشان می‌دهد، و نه به دلیل «ضرب و شتم» ادعائی، درگذشته است، اما ایرانی‌ها استدلال می‌کردند که استرس ناشی از همه این‌ها ممکن است باعث مرگ او شده باشد.

در هفته‌های پیش رو، اعتراضات به شورش تبدیل شد و مردم، هم غیرنظامیان و هم نیروهای امنیتی کشته شدند. این که آیا دو طرف به سمت یک دیگر شلیک کرده اند یا عوامل تحریک کننده خارجی دیگر در این بازی حضور داشته اند، موضوع این تفسیر نیست.

سؤال بیشتر این است که این رویدادهای اخیر، ایران را به کجا خواهد برد و آیا احساسات عمومی در مورد حجاب توسط نهادهای حاکمیتی کشور – و چگونه مورد توجه قرار خواهد گرفت.

مراکز تصمیم‌گیری بسیار پراکنده ایران

ایران به هیچ وجه آن «کاریکاتور دیکتاتوری» نیست که اغلب در رسانه‌های جریان اصلی غربی به تصویر کشیده می‌شود.

در حالی که آیت‌الله علی خامنه‌ای، ولی فقیه و مرجع نهائی در تصمیم‌گیری در مسائل ستراتیژیک است، اما باید گوشزد کرد که این امتیازی است که او به ندرت برای مقابله با منتقدان داخلی از آن استفاده می‌کند.

خلاف مذاکرات هسته‌ای ایران با قدرت‌های غربی، خامنه‌ای به طور کامل به دولت حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین، اجازه داد تا به دستور کار مذاکرات خود ادامه دهد، زیرا تمایلش به سمت عادی‌سازی روابط اقتصادی و پایان دادن به انزوای آن زمان ایران بود.

احتمالاً هیچ چهره‌ای در ایران وجود ندارد که به اندازه خامنه‌ای در کارنامه خود درباره غرب هشدار داده باشد که غرب هرگز قابل اعتماد نیست و بزرگترین امتیاز و قدرت ایران در اتکاء به خود و خودکفائی اقتصادی و استقلال کامل آن از جهان تحت سلطه غرب است.

با این حال، خامنه‌ای عقب نشست و به دولت روحانی اجازه داد سیاستی را دنبال کند که این تصمیم کاملاً در تضاد با عمیق‌ترین اعتقادات ملی او بود.

با این حال، اقدامات ولی فقیه حاکی نمونه‌ای بسیار واقعی از فرآیندهای تصمیم‌گیری امروز ایران است. در این کشور هیچ مرجع مشخص و یگانه‌ای وجود ندارد. تصمیمات یا به صورت مشترک یا در مناقشات داغ و اغلب علنی، در مناظرات پارلمانی یا پشت درهای بسته انجام می‌گیرد و در رسانه‌های ایران پخش می‌شود، گرفته می‌شود.

در اصل، ایران امروز دارای سه مرکز اصلی قدرت است: اول، مقام رهبری و ارگان‌های انقلابی مختلف دولتی او که شامل ارتش، نیروی انتظامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (سپاه)، و نیروهای داوطلب بسیجی میلیونی است.

دوم، دولت ایران و نهادهای دولتی آن که شامل رئیس‌جمهور منتخب، کابینه وی، وزارتخانه‌های کشور و مجلس می‌شود.

و سوم، حوزه (حوزه علمیه) قم، مرکز دینی ایران، متشکل از هزاران تن از علماء، مراجع و تأثیرگذاران شیعه که بر تفسیر دین، اعمال و رفتار جمهوری اسلامی تأثیر می‌گذارند.

هر سه مرکز قدرت به روش‌های متفاوتی بر سیاست‌های دولت تأثیر می‌گذارند و نفوذ آنها در زمان‌های مختلف تغییر یافته است. در هر یک از این مراکز شبکه وسیعی از حامیان، نهادهای رسانه‌ها، منافع اقتصادی و شخصیت‌های

تاثیرگذار وجود دارد. آنها، مانند سایر جوامع دموکراتیک، رقابت می کنند تا دیدگاه های آنها مورد توجه قرار گیرد و عملی شود.

این که برای لحظه ای تصور کنیم که یک فرد یا نهاد تصمیم گیر می تواند در مورد موضوعی به پیچیدگی و اهمیت حجاب دستورالعملی صادر کند، نشان دهنده بی اطلاعی کامل از پیچیدگی، تناقضات و تنوع در بدنه نظام جمهوری اسلامی است.

نمایی از وضعیت

در سفر دو هفته ای به تهران در اواخر نومبر، متوجه تفاوت های قابل توجهی در محل نسبت به بسیاری از بازدیدهای قبلی ام شدم که در جنوری ۲۰۲۰ به دلیل محدودیت های سفر کووید متوقف شد. در آخرین سفرم به پایتخت ایران در سال ۲۰۲۰، گهگاه زنان ایرانی را می شد دید که بدون حجاب در رستوران ها نشسته اند. اما امروز خانم ها در خیابان ها، در مراکز خرید، در فرودگاه، در بازارهای سنتی، دانشگاه ها و پارک ها، چه بالای شهر و چه در مرکز شهر، بدون سرپوش مرسوم قدم می زنند.

در اینجا چند عکس تصادفی که توسط خودم در مکان های مختلف شهر گرفته شده است: آنچه در گفتمان داغ کنونی درباره حجاب ایرانی اهمیت زیادی دارد این است که این روند «کشف» در سپتمبر و با اعتراضات آغاز نشد. این جزئیات واقعی و انتقادی اما در روایت رسانه های غربی کاملاً ذکر نشده است. بسیاری از زنان ایرانی – در فاصله سه سال از آخرین دیدار من – روسری را کنار گذاشته بودند و صحنه های عکس های من در بالا برای سال ها عادی بوده است.

آیا همه گیری در این سال ها به کاهش هنجارهای اجتماعی کمک کرد؟ از کسی که پرسیدم جواب روشنی نداشت. «این فقط عادی شد» یک عبارت رایج بود.

امروز زنان ایرانی – پیر و جوان – بدون حجاب، با روسری و چادر سنتی تر با هم در خیابان های یکسان راه می روند. هر کس کار خودش را می کند و به کار خودش فکر می کند.

این یک تحول جذاب است، زیرا طبق قانون در ایران حجاب اجباری است. و با این حال هیچ کس به زور این قانون را اجراء نمی کند تا زمانی که ارشاد به صحنه بازگردد.

این مهم است، زیرا ارشاد همیشه و در همه حال آنجا نیست.

در حالی که آنها از سال ۲۰۰۶ یک نهاد فعال بوده اند، به نظر می رسد مقامات ایرانی آنها را فقط در فواصل زمانی مشخصی بسیج می کنند:

«شاید قم بر سر مسائل اخلاقی بسیار حساس و بی تحمل است یا محافظه کاران برای نفوذ بر اصلاح طلبان رقابت می کنند یا تشنج های ژئوپلیتیکی در مرزهای کشور وجود دارد. نکته این است که ارشاد هرگز در خیابان های ایران حضور ثابتی نداشته است، بلکه معمولاً نتیجه اتفاقاتی است که در جایی از کشور به لحاظ سیاسی رخ می دهد.»

مسئولان برای بحث درباره حجاب دور هم جمع می شوند

با این حال، پس از گذشت سه ماه از اعتراضات و شورش ها، به نظر می رسد که موضوع حجاب در میان مراکز قدرت رقیب در جمهوری اسلامی به موضوعی داغ تبدیل می شود.

در تجربه شخصی من، شاخه‌های امنیتی ایران مانند سپاه – که زیر نظر خامنه‌ای فعالیت می‌کنند- کمترین خصومت و مخالفت را در مورد عدم رعایت حجاب داشته اند. آنها بر نفوذ خارجی، خرابکاری، عملیات ضد تروریستی و جنگ متمرکز شده اند، نه بر روی ریزه کاری های زندگی و رفتارهای روزمره.

حجاب «نماد» جمهوری اسلامی است و نمادها – همانطور که در جنگ‌های هیبریدی بی‌شماری در غرب آسیا و فراتر از آن دیده‌ایم – اولین و آسان‌ترین هدف برای تحریک‌کنندگان بیرونی است.

خواه تغییر رنگ پرچم ملی برای نماد مخالفت باشد، یا ساختن اشعاری برای جایگزینی سرود ملی، یا تشویق زنان به برداشتن روسری و ضبط تصاویر آن بر روی ویدئو، اینها ثمره‌های کم اهمیت تر یک جنگ ترکیبی هستند.

در مصاحبه ای در جنوری ۲۰۱۸ توسط یک نشریه خصوصی ایرانی که خوانندگان آن به طور خاص مقامات امنیتی و «اصولگرایان» هستند و برای مطالعه آن نیاز به پرداخت آونمان است، در مورد استفاده از این ابزارها در سوریه و ایران از من سؤال شد.

پاسخ من، با برخی از سؤال های مربوط در زیر مشاهده می کند:

«شعارها، بنرها و وسایل نمادین جزء اصلی «انقلاب های رنگی» به سبک غربی هستند. ایران تأثیر کامل این ابزارها را در جنبش «سبز» در جریان انتخابات ۲۰۰۹ مشاهده کرده است.

استفاده از ابزارهای بصری (یک تصویر هزار کلمه ارزش دارد) برای خلاصه کردن یک موضوع یا آرزویی که فوراً برای مخاطبان گسترده قابل درک است – این اساس این بازاریابی انقلابات رنگی است. مردم این کار را همیشه در انتخابات انجام می دهند، اما اکنون این مفاهیم به طور مؤثر در جنگ اطلاعاتی در سطح ژئوپلیتیک مورد استفاده قرار می گیرند.

استفاده از پرچم سبز دوران استعمار در سوریه راهی آسان برای جذب سریع تعداد بیشتری از جمعیت سوریه به به زیر چتر «اپوزیسیون» بود.

اساساً هرکسی که از دولت گله داشت – اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی – خواسته می شد که تحت این پرچم جدید خود را با جنبش اعتراضی یکی کند. (پرچم شیر و خورشید در ایران – مترجم)

فعالان سوری شروع به بسیج توده‌ها با «نامگذاری» اعتراضات جمعه کردند و از زبانی استفاده کردند که به دنبال ایجاد جهت‌گیری مخالفان و به آهستگی اسلامی کردن آن بود. (اعتراضات تکراری روزهای جمعه زاهدان، بی بی سی، ایران اینترنشنال و سوری سازی ایران سلام می رسانند – مترجم)

شعارها و ابزارهای تبلیغاتی، ترفندهای تبلیغاتی آسانی هستند که می توان از آن برای کشاندن بخش «غیر متعهد» مردم به سمت پذیرش موضع ضد دولتی استفاده کرد.

ابزارهای هویت جزء ضروری عملیات تغییر رژیم هستند. باید نمادهای ملی موجود را مشروعیت زدانی کنید تا نمادهای جدید بسازید. (حمله به سرود ملی، به تیم های ورزشی، راه انداختن انگیزسیون و گشت ارشاد رسانه ئی و شبکه اجتماعی توسط بی بی سی، ایران اینترنشنال، رادیو فردا، رادیو زمانه و من و تو علیه ورزشکاران، هنرمندان و اشخاص معروفی که هنوز به نفع اغتشاشات موضع نگرفته اند – مترجم)

در ایران، تصویر زن جوان بدون حجاب به سرعت به یکی از نمادهای اعتراضات در شبکه‌های اجتماعی تبدیل شد. از قضا، حجاب می‌تواند به‌طور بالقوه به‌عنوان یک «سرمایه هویتی» برای انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ در نظر گرفته شود. در نتیجه، در حملات پروپاگاندائی و تبلیغاتی که تحت حمایت خارجی ها به ایران صورت می گیرد، حجاب تقریباً همیشه هدفی است که می توان از طریق آن مشروعیت زدانی کرد و یا آن را مورد تمسخر قرار داد.»

(تأکید ها از نویسنده است)

این مصاحبه در کنار عکس بی حجاب از من در این نشریه منتشر شد. چند هفته بعد، پیامی از یک تحلیلگر ارشد ایرانی دریافت کردم که بنا بر گزارش‌ها از نزدیک به نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی وابسته است. او یک اسکرین شات از نظرات من در مورد حجاب فرستاد و پرسید که آیا این را نوشته‌ام؟ در کمال تعجب، او به من گفت که با ارزیابی من کاملاً موافق است. در فرصتی دیگر، نشریه جوان تحت حمایت سپاه ایران درخواست مصاحبه به همراه ترجمه یکی از مقاله‌های من در سوریه برای مجله ویژه محور مقاومت منطقه‌ای کرد. باز هم عکس بی حجابی از خودم را در این مصاحبه منتشر کردند.

حجاب و دولت

به عبارت ساده، حجاب برای حکومت ایران یک موضوع دارای اولویت امنیتی نیست. آنها ماهی های مهم تری برای به دام انداختن دارند. اما برای متکلمان داخل و خارج محافظه کاران قم موضوعی حیاتی است. و شاید همچنین برای میلیون‌ها زن ایرانی که این کار را انجام می‌دهند و نمی‌خواهند به خاطر استفاده از آن مورد آزار و اذیت قرار بگیرند، مانند مادر بزرگ‌هایشان در سال ۱۹۳۶ زمانی که رضا شاه پهلوی، پادشاه وقت، پوشش سنتی اسلامی را غیرقانونی کرد.

مریم سینائی می نویسد – به طعنه برای نشریه ایران اینترنشنال تحت حمایت عربستان سعودی که امروز به طور ۲۴ ساعته برای مخالفان ایرانی تبلیغات می‌کند: «با ممنوعیت حجاب، بسیاری از زنان سال‌ها در خانه‌های خود ماندند یا تنها در تاریکی یا مخفیانه در داخل واگن‌های سر بسته خانه را ترک کردند تا از رویارویی با پولیس که در صورت لزوم از زور برای بی‌حجاب کردن آنها استفاده می‌کرد، اجتناب کنند.» حتی برای زنان مسن‌تر مسیحی و یهودی، رعایت ممنوعیت حجاب سخت بود.

جدا از این مسائل، مسئولین امنیتی ایران امروز یک پرونده مهم و غیرمعمول را برای روحانیون باز کرده‌اند: «حجابی که ما به آن احترام می‌گذاریم وارد حوزه امنیت ملی شده است. برنامه‌های مورد حمایت خارجی، حجاب را برای ترویج عملیات تغییر رژیم به سلاح تبدیل کرده است.» طبعاً این موضعی نیست که روحانیت بتواند با توجه به رویدادهای اخیر روی آن پافشاری کند.

احتمالاً به همین دلیل است که مقامات ایرانی بنا به گزارش‌ها در حال بررسی گزینه‌های متعددی برای حذف این تهدید از روی میز دشمنان هستند، از جمله تعلیق یا انحلال گشت ارشاد که با برنامه‌ای کلی برای آموزش و توصیه در مورد رعایت شئون اسلامی در سراسر کشور جایگزین شود.

ارشاد – که تحت مدیریت محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور سابق ایران تأسیس شد – اکنون از خیابان‌های ایران خارج شده‌اند و هفته‌هاست که اثری از آنها دیده نمی‌شود.

و سه مرکز اصلی اقتدار ایران در مورد چگونگی کاهش تنش‌های باقیمانده و رسیدگی به نارضایتی اجتماعی در میان افشار مردم عمیقاً در حال بحث و مذاکره هستند.

جالب اینجاست که این تحول تا حدودی منعکس کننده وضعیت رقیب اصلی ایران یعنی عربستان سعودی در خلیج فارس نیز می‌باشد، جایی که «متوا» یا پولیس مذهبی سعودی، در سال ۲۰۱۶ با فرمان سلطنتی از اختیارات و امتیازات کنترل نشده خود محروم شدند.

از آن زمان، مشاهده زنانی که در ملاء عام بی حجاب هستند و عبای مشکی سنتی را بر روی لباس های معمولی خود نمی پوشند، رایج تر شده است، علی رغم این که هرگز قانون مکتوب عربستان سعودی آن را الزامی نکرده است. قم – و بسیاری دیگر – هرگز با لغو قانون حجاب موافقت نمی کنند. به هر حال، اجرای بیش از حد غیرتمندانه آن توسط عده معدودی همان چیزی بود که در اصل بحث درباره رعایت حجاب را به وجود آورده بود. قانون حجاب ایران نیز ممکن است سرنوشت مشابهی مانند بسیاری از قوانین بدون دندان که در قوانین همه کشورها وجود دارند ولی کسی به آن توجه نمی کند، پیدا کند. اما در حالی که می توان انتظار داشت که حکومت رفتار ملایم تری را در قبال عدم رعایت حجاب برگزیند، اما قطعاً رفتار بی رحمانه تری را نیز نسبت به کسانی که به دنبال استفاده از این نماد برای تضعیف دولت برمی گزینند خواهد داشت.

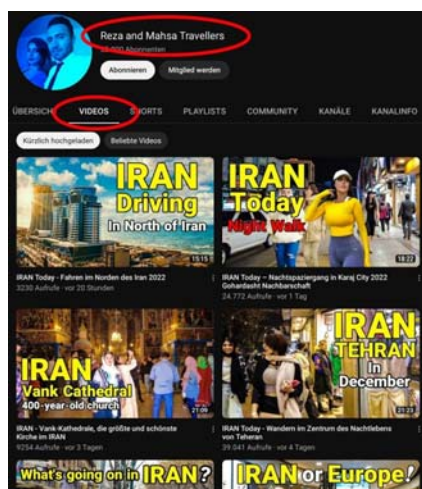
نظرات بیان شده در این مقاله لزوماً منعکس کننده نظرات The Cradle نیست.

برای درک بهتر مطلب فوق به ویدیوهای منتشر شده در یوتوب به ویژه در روزهایی که بی بی سی و ایران اینترنشنال اعلام می کردند سرتاسر ایران در آشوب و اعتراض و اعتصاب به سر می برد توجه کنید، البته این ویدیوها که جنبه توریستی و تجاری دارند با اهداف سیاسی موافقت و یا مخالفت با جریانی در داخل و خارج ایران تهیه نشده اند در نتیجه تمرکز تهیه کننده بر ایرانگردی و نشان دادن مراکز لوکس ایران است. لطفاً به تاریخ ویدیو ها توجه کنید و آن را با ادعاهای بی بی سی و ایران اینترنشنال مقایسه کنید. برای مشاهده ویدیو ها به یوتیوب مراجعه کنید

در بخش جست و جوی یوتیوب واژه **Reza and Mahsa Travellers** را وارد کنید.

بعد از پیدا کردن کانال یوتیوبی روی واژه انتخابی Video کلیک کنید تا تمام ویدیوها بر اساس زمان تهیه رده بندی شوند.

هر چه به سمت پائین تر صفحه بروید ویدیو های قدیمی تر را می توانید مشاهده کنید. بسیاری از این ویدیوها زندگی و مراکز خرید ثروتمندان در مناطق پولدارنشین را نشان می دهد با کمی جست و جو اما ویدیوهایی از مناطق معمولی و حتی فقیر نشین قابل مشاهده است و از جمله پوشش مردم را می توان در این ویدیو ها مشاهده کرد.



*- شارمینه ناروانی نویسنده و تحلیلگر ژئوپلیتیک غرب آسیا ساکن بیروت و ستون نویس The Cradle است.

آثار او در طیف گسترده‌ای از رسانه‌ها از جمله امریکائی محافظه‌کار، راشا تودی، نیویورک تایمز، یواس‌ای تودی، گاردین، الاخبار انگلیسی، اسافیر، هافینگتون پست، بریکس پست، Salon.com، الجزیره و دیگران منتشر شده است..

او در بسیاری از نشریات به دلیل پوشش تحقیقاتی و پیشگامانه اش در مورد درگیری های سوریه به عنوان خبرنگار مرجع معروف شده.